Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol/12/ No. .2025
Page: 87-104

The effectiveness of parenting skills training based on the Adler-Dreikurs approach on family atmosphere and parent-child relationships among parents of children with social anxiety disorder

Ahmad amani[1], Gharib Aziz Abdalrahman[2], Jafar Ghaitasi[3]

1-Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. (Corresponding Author: a.amani@uok.ac.ir
2-M. A. in School Counseling, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran .
3-Phd Student in Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran..

Received:20/04/2024 **Accepted:**29/04/2024

Abstract

Introduction: Social anxiety disorder is one of the most prevalent types of anxiety disorders. Its primary characteristic is an intense fear of situations where an individual is exposed to the presence of others.
Aim: The study aimed to examine the effectiveness of parenting skills training based on the Adler-Dreikurs approach in improving family atmosphere and parent-child relationships among parents of children diagnosed with social anxiety disorder.
Method: The research adopted a quantitative paradigm with a quasi-experimental design, utilizing a pretest-posttest-follow-up methodology with a two-month follow-up period. The study involved both an experimental group and a control group. The statistical population included all parents of primary school students during 2020-2021 in Halabja Province, Kurdistan Region of Iraq. A sample of 30 participants was selected through purposive sampling, with 15 assigned to the experimental group and 15 to the control group. Data were collected using the Family Atmosphere Questionnaire, the Parent-Child Relationship Scale (Fine, Moreland, & Schwebel, 1983), and the Spence Children's Anxiety Scale for measurement and screening purposes. Participants in the experimental group attended 10 group-based training sessions. Descriptive statistics (mean and standard deviation) were used to analyze data from the pretest, posttest, and follow-up phases, while inferential statistics, specifically repeated-measures analysis of variance (ANOVA), were employed to examine the relationships between variables.
Results: The results revealed that, in the experimental group, the mean pretest scores for family atmosphere ($p < 0.006$) and parent-child relationships ($p < 0.001$) showed statistically significant differences when compared to the mean posttest and follow-up scores.
Conclusion: The findings highlight the effectiveness of Adler-Dreikurs-based parenting skills training in enhancing family atmosphere and improving parent-child relationships for children with social anxiety disorder.
Keywords: Adler-Dreikurs, family atmosphere, parenting skills, social anxiety disorder

Amani A, aziz abdalrahman G, ghaitasi J. The effectiveness of parenting skills training based on the Adler-Dreikurs approach on family atmosphere and parent-child relationships among parents of children with social anxiety disorder. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry 2025; 12 (1) ;87-104
URL: http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-2243-fa.html

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت
سال دوازدهم شماره :۱. ۱۴۰۴
صفحات: ۱۰۴-۸۷

اثربخشی آموزش مهارت والدگری مبتنی بر رویکرد آدلر- درایکورس بر جو خانواده و رابطه والد- فرزندی والدین دارای فرزند مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی

احمد امانی[۱]، غریب عزیز عبدالرحمان[۲]، جعفر قیطاسی[۳]

۱.دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (مولف مسئول: a.amani@uok.ac.ir)
۲.کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
۳.دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ **تاریخ پذیرش مقاله:**۱۴۰۳/۰۲/۰۹

چکیده

مقدمه: یکی از مهم‌ترین نوع اختلالات اضطرابی، اختلال اضطرابی-اجتماعی است. ویژگی اصلی اضطراب اجتماعی ترس شدید از موقعیت‌هایی است که در آن‌ها فرد در جمع دیگران قرار می‌گیرد.

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش مهارت والدگری مبتنی بر رویکرد آدلر- درایکورس بر جو خانواده و رابطه والد- فرزندی والدین دارای فرزند مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی است.

روش: طرح پژوهش پارادایم کمی با روش نیمه‌آزمایشی بوده و روش تحقیق آن از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری دوماهه با گروه آزمایش و گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ (۲۰۲۰-۲۰۲۱) در استان حلبچه‌ی کردستان عراق و حجم نمونه شامل ۳۰ نفر از جامعه آماری بود که ۱۵ نفر در گروه آزمایشی و ۱۵ نفر نیز در گروه کنترل و با روش نمونه‌گیری هدفمند جایگذاری شدند. در این پژوهش از پرسشنامه‌های جو خانواده درگاه فرد (۱۳۷۳)، روابط والدین- فرزندی فاین، مورلند و شوبل (۱۹۸۳) و مقیاس اضطراب کودکان اسپنس (۱۹۹۷) جهت اندازه‌گیری و غربالگری استفاده شد. شرکت‌کنندگان در گروه آزمایش ۱۰ جلسه آموزشی را به‌صورت گروهی دریافت کردند. در توصیف داده‌ها، شاخص‌های آمار (میانگین و انحراف استاندارد) در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری و در بخش استنباطی برای تحلیل ارتباط بین متغیرها از روش (تحلیل واریانس با اندازه مکرر) استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که در گروه آزمایش، میانگین نمرات پیش‌آزمون جو خانواده ($p<۰/۰۰۶$) و روابط والد-فرزندی ($p<۰/۰۰۱$) با میانگین نمرات پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار دارد.

نتیجه‌گیری: این نوع از آموزش‌ها می‌توانند نحوه تلقی نسبت به والدگری و نوع نگرش و دید آن‌ها را به ماهیت و اساس ارتباطات والد- کودک را با حقیقت و واقعیت زندگی منطبق نماید. نتایج بیانگر اثربخشی آموزش‌های متمرکز بر مهارت والدگری آدلر – درایکورس در بهبود جو خانواده و روابط والد-فرزندی کودکان با اختلال اضطراب اجتماعی است.

واژه‌های کلیدی: آدلر – درایکورس، جو خانواده، مهارت والدگری، اختلال اضطراب اجتماعی

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی کردستان محفوظ است .

مقدمه

از رایج‌ترین و حادترین مشکلات روانی- اجتماعی اضطراب است و معمولا خصوصیت اصلی آن‌یک حس مبهم، ناخوشایند و فراگیر است که بیشتر اوقات با علائمی از قبیل عرق کردن، داشتن سردرد، حس تنگی و فشردگی در قفسه سینه، تپش قلب، ناراحتی معده و عدم آرامش و بی‌قراری، ناتوانی و بی‌حرکتی و آرام نشستن یا ایستادن همراه است (گنجی، ۲۰۲۰). یکی از شایع‌ترین اختلالات سلامت روان اضطراب اجتماعی[1] است که تقریبا ۱۳٪ از جمعیت در ملاقات با معیارهای تشخیصی بیماری اضطراب اجتماعی در طول زندگی خود عمل می‌کنند (هالدرسن[2] و کریسول، ۲۰۱۷). خصوصیت اصلی اضطراب اجتماعی شامل هراس بسیار شدید از موقعیت‌هایی باشد که در آن‌ها فرد در اجتماع در کنار سایرین قرار می‌گیرد یا می-بایست جلوی آن‌ها عملی را انجام دهد و از هر نوع موقعیت اجتماعی که فکر می‌کنند احتمال دارد در آن‌یک رفتار خجالت‌آور وجود داشته باشند یا هر نوع وضعیتی که در آن فرد مورد امتحان و ارزیابی منفی سایرین قرار گیرند، می‌ترسند و تلاش می‌نمایند از آن‌ها دوری نمایند (آساکورا[3]، ۲۰۱۵) و به‌طور متوالی در مدرسه، محیط کار و دوستی‌ها و ارتباطات دوستانه اختلالات قابل‌توجهی را گزارش می‌نمایند، اضطراب اجتماعی ارتباط معنی‌داری با ترس از ارزیابی، عزت‌نفس و کیفیت زندگی پایین دارد (دریمان، گاردنر، ویکس و هیمبرگ[4]، ۲۰۱۶).

سازمان بهداشت جهانی[5] (WHO) در گزارش سلامت روان سال ۲۰۲۳ اعلام کرده است که شیوع اختلالات اضطرابی در کودکان و نوجوانان (۵ تا ۱۹ سال) به‌طور متوسط بین ۵ تا ۱۵ درصد در سطح جهانی متغیر است. این تفاوت به عواملی مانند دسترسی به خدمات سلامت روان، شرایط اجتماعی-اقتصادی و فرهنگ بستگی دارد. در مناطق با درآمد پایین، این میزان ممکن است به دلیل کمبود گزارش‌دهی کمتر از واقعیت برآورد شود (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۳). تحقیقات نشان داده است که اضطراب اجتماعی یکی از عوامل در پیش‌بینی افت تحصیلی دانش‌آموزان است (تولین[6]، ۲۰۱۹). مشکلاتی از این‌دست در سال-های اخیر ذهن پژوهشگران حوزه کودک را به خود مشغول کرده است که علت اضطراب کودکان چیست؟ و چه عواملی می‌تواند اضطراب کودکان را تبیین و پیش‌بینی کنند؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤالات علت‌های بسیاری ازجمله عوامل مربوط به ژنتیک و وارثی، زیست‌شناختی و جسمی، ویژگی شخصیت و عوامل محیط و اجتماعی و خانوادگی ذکرشده است، در مورد عوامل اثرگذار بر اختلال

[1] Social Anxiety Disorder (SAD)
[2] Halldorsson
[3] Asakura
[4] Dryman, Gardner, Weeks & Heimberg
[5] World Health Organization
[6] Tolin

اضطراب اجتماعی بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که خانواده یکی از عوامل اجتماعی رایج است که باید موردمطالعه قرار گیرد و روانشناسان معتقدند والدین نقش مهمی در شکل‌دهی سلامت هیجانی کودکان دارند (هادسون[1]، ۲۰۱۴).

خانواده[2] واحدی اجتماعی است که معیارها و ارزش‌های اجتماعی به‌وسیله آن به کودک انتقال پیدا می‌کند و از جنبه تأثیرگذاری، محیط اجتماعی کودک به‌عنوان یک واسطه اهمیت فراوانی دارد و نیز حاوی شبکه‌ای از قالب‌های عاطفی است که در آن والدین و کودکان در یک روند دوطرفه با همدیگر در تعامل‌اند (احدی و بنی‌جمالی، ۲۰۱۶) و از یک‌سو خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین عامل نمو کودک اثرات بسیار زیادی بر سلامت روانی کودک و آسیب‌های روانی او از سوی دیگر نیز دارد (پورسینا، طهماسیان و صادقی، ۲۰۲۱). در عوامل خانوادگی جو خانواده می‌تواند اضطراب اجتماعی را در کودکان پیش‌بینی نماید (احمدوند، ۲۰۱۹).

یکی دیگر از عوامل خانوادگی مؤثر در اضطراب اجتماعی کودکان، ارتباط والد- فرزند[3] است. رابطه والد و فرزند یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری سلامت روانی و عاطفی کودکان است و نقش مهمی در کاهش یا تشدید اختلالات اضطرابی مانند اضطراب اجتماعی ایفا می‌کند (یپ و جورم[4]، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که روابط مثبت و حمایت‌کننده والدین که شامل ارتباطات شفاف، حمایت عاطفی و پاسخ‌گویی به نیازهای کودک می‌شود، می‌تواند به کاهش سطح اضطراب و تقویت حس امنیت در کودکان منجر شود (وودهوس و همکاران[5]، ۲۰۲۰). در مقابل، روابط پرتنش یا فقدان تعامل عاطفی ممکن است شدت نشانه‌های اضطرابی را افزایش دهد (بروماریو و کرنز[6]، ۲۰۲۲). این مطالعات تأکید می‌کنند که بهبود مهارت‌های والدگری از طریق آموزش می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد مؤثر برای تقویت این رابطه و ارتقای سلامت روان کودک عمل کند (یپ و جورم، ۲۰۱۹).

بچه‌ها باید رابطهٔ عاطفی عمیق با والدینشان را حس کنند تا به افراد بزرگسال سالمی تبدیل شوند، وقتی‌که این نیاز عاطفی اساسی تأمین می‌شود، والدین و بچه‌ها به‌طور یکسان احساسات رضایت‌بخش را تجربه خواهند کرد، این تجربه به‌طور کامل عملی است و احساس لذت در فرزند پروری را به‌دنبال دارد. وقتی عکس این حالت رخ می‌دهد، هر دو طرف قطع رابطه و طردشدگی را حس می‌کنند (موسوی امیرآباد و نظری‌مقدم، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که

[1] Hudson
[2] Family
[3] Parent – Child Relationship
[4] Yap & Jorm
[5] Woodhouse et al
[6] Brumariu & Kerns

سبک‌های والدگری می‌توانند به‌طور قابل‌توجهی بر سطح اضطراب کودکان تأثیر بگذارند. به عنوان مثال، سبک والدگری بیش‌حمایتی که با کنترل بیش‌ازحد و محدود کردن استقلال کودک همراه است، با افزایش نشانه‌های اضطراب در کودکان مرتبط است (یافه[1]، ۲۰۲۴). همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که سبک والدگری گرم و حمایت‌کننده که شامل محبت و پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی کودک می‌شود، می‌تواند به کاهش اضطراب و بهبود سلامت روان کودکان کمک کند (وودهوس و همکاران، ۲۰۲۰). آموزش والدین به‌عنوان یک راهبرد مؤثر، با بهبود مهارت‌های والدگری و کاهش رفتارهای کنترل‌گر، می‌تواند از شدت مشکلات اضطرابی کودکان بکاهد (لزلر و همکاران[2]، ۲۰۲۱).

برنامه آموزش والدین یکی از شیوه‌های مشاوره با والدین است و یکی از شیوه‌های رایج برنامه آموزش والدین، برنامه آموزش مهارت والدگری[3] است که یک برنامه مداخله‌گر رفتاری خانواده است که هدف از آن پیشگیری و درمان مشکلات شدید عاطفی، رفتاری و رشد از راه افزایش و ارتقاء مهارت والدگری، آگاهی و اعتماد به‌نفس والدین است و به‌شیوه گروهی قابلیت اجرا را دارد (ساندرز، پیگون، گراوستوک، کانورس براون و همکاران[4]، ۲۰۰۴). آموزش والدین بر اساس رویکردهای مختلف انجام می‌گیرد یکی از این رویکردها بر اصول نظری و عملی پیشنهاد شده توسط آلفرد آدلر و رودولف درایکورس در آموزش والدین متکی است. در این رویکرد درک کودک و اهداف بدرفتاری او مورد توجه است. به والدین در این رویکردها آموزش داده می شود تا با اهداف بدرفتاری کودکان و انگیزه‌های درونی آن‌ها آشنا شوند، از فنون دلگرمی بخشی و پیامدهای منطقی و طبیعی به جای تشویق و تنبیه استفاده کنند. به کودک حق انتخاب داده می‌شود و بر گفتگو با کودک برای درک قوانین و محدودیت‌ها تأکید می‌شود. در این رویکردها تأکید بر برابری اجتماعی انسان‌ها و احترام متقابل است (فرگوسن، هاگامن، گریک و پنگ[5]، ۲۰۰۶). در این مدل‌ها ترکیبی از کنترل رفتاری و حمایت دیده می‌شود. در چنین رویکردی، جوی از بی طرفی، برابری، احترام متقابل و استدلال شکل می‌گیرد و محیط برای ابراز مخالفت ایمن است. در نتیجه کودک احساس می‌کند که محیط اجتماعی او ایمن، منطقی و جذاب است (امانی و سهیلی، ۲۰۱۵).

رابطه والدین با فرزندان می‌تواند بر احساس تعلق آنان تأثیر بگذارد. کودکانی که احساس مثبتی از تعلق به خانواده دارند اطمینانی را که برای به سراغ دیگران رفتن، برقراری دوستی و همکاری کردن لازم است دارند و بیشتر احتمال دارد که در مسیر رشد روابط صمیمانه و به طور متقابل حمایت گری را شکل دهند؛

[1] Yaffe

[2] Lezler et al

[3] Parenting skill

[4] Sanders, Pidgeon, Gravestock, Connors, Brown & Young

[5] Ferguson, Hagaman, Grice & Peng

بنابراین به نظر می‌رسد که کاربرد رویکرد آدلر درایکورس در آموزش والدین بتواند با خلق فضایی امن و حمایتی بر افزایش علاقه اجتماعی، عزت نفس و به تبع آن کاهش اضطراب اجتماعی کودکان کمک نماید و از سوی دیگر با در نظرگرفتن اهمیت آموزش والدین و تأثیر آن تغییراتی که بر سبک‌های والدگری و تعامل والد-کودک می‌گذارد در پژوهش حاضر به دنبال بررسی اثربخشی برنامه آموزش مهارت والدگری مبتنی بر رویکرد آدلر- درایکورس بر جو خانواده و رابطه والد- فرزندی والدین دارای فرزند مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی در استان حلبچه کردستان عراق هستیم. با توجه به تحقیقات انجام‌شده در مورد اثربخش بودن آموزش والدین و با توجه به تنوع رویکردهای آموزش والدین، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا آموزش مهارت والدگری مبتنی بر رویکرد آدلر-درایکورس بر جو خانواده و ارتباط والدین و فرزندان در والدین دانش‌آموزان مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی اثر دارد؟

روش پژوهش

طرح پژوهش پارادایم کمی با روش نیمه‌آزمایشی بوده و روش تحقیق آن از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری دوماهه با گروه آزمایش و گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ (۲۰۲۰-۲۰۲۱) در استان حلبچه کردستان عراق بود. روش نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و نمونه پژوهش از لیست افراد مایل به همکاری در پژوهش انتخاب شد که شامل ۳۰ نفر والدین کودکان دارای اضطراب از مراجعین مرکز مشاوران ابتدایی در مدیریت آموزش‌وپرورش استان حلبچه بودند که ۱۵ نفر از آن‌ها در گروه آزمایشی و ۱۵ نفر نیز در گروه کنترل قرار گرفتند. ملاک های ورود شامل: داشتن کودک ۷ تا ۱۲ سال، وجود علائم اضطراب بر اساس پرسشنامه اضطراب اجتماعی کودکان SCAS در کودک، عدم سابقه شرکت در کارگاه یا کلاس آموزش مدیریت رفتاری، حداقل سطح تحصیلات سیکل، توانایی حضور در ۱۰ جلسه آموزشی و توانایی حضور در جلسات و انجام دادن تکالیف؛ و ملاک‌های خروج عبارت بودند از: شرکت در کارگاه یا دوره‌های درمانی همزمان، عدم توانایی حضور در ۱۰ جلسه آموزشی، انجام ندادن تکالیف مشخص‌شده و یا ابراز عدم تمایل به ادامه همکاری. جهت غربالگری از مقیاس اضطراب کودکان اسپنس[1] استفاده شد. والدین دانش‌آموزان گروه آزمایش طی (۱۰ جلسه هر هفته یک جلسه به مدت ۹۰ دقیقه) به‌صورت گروهی تحت برنامه آموزشی قرار گرفتند.

برای اجرای پژوهش حاضر بعد از کسب مجوز از مدیریت آموزش و پروش استان حلبچه، به‌طوری هدفمند والدین کودکان دارای اضطراب اجتماعی، از مرکز مشاوران ابتدائی اداره آموزش‌وپرورش که حاضر به همکاری بودند انتخاب شد، شرکت در این پژوهش برای تمامی مشارکت‌کنندگان با رضایت آگاهانه

[1] Spence Children's Anxiety scale (SCAS)

همراه بود و برای اطمینان از اصول اخلاقی پژوهش، صداقت، امانت‌داری و رازداری و در مورد ماهیت پژوهش اطلاعات لازم به مشارکت‌کنندگان در پروژه حاضر داده شد. علاوه بر این لازم به ذکر است که بر طبق مصوبه شورای اخلاق دانشگاه کردستان از مشارکت‌کنندگان در مطالعه حاضر رضایت‌نامه کتبی اخذ شد و مشارکت‌کنندگان با آگاهی و رضایت کامل حاضر به شرکت در جلسات درمانی شدند. جهت اجرای فرآیند نمونه‌گیری پرسشنامه اضطراب اجتماعی کودکان اسپنس SCAS به‌عنوان آزمون غربالگری بر روی نمونه ۱۰۳ نفری دانش‌آموزانی که حاضر به همکاری بودند، در تیر ماه اجرا شد. سپس ۳۰ نفر از افرادی که نمره آن‌ها در خرده مقیاس‌های اضطراب اجتماعی کودکان یک انحراف بالاتر از میانگین قرار گرفت و در دو گروه آزمایشی و کنترل جایگذاری شدند. سپس پرسشنامه‌های جو خانواده و ارتباط والد- فرزند با دانش‌آموزان از پیش‌آزمون در مرداد ماه اجرا شد و تعداد ۳۰ نفر از مادرانی را که واجد شرایط ورود به پژوهش بودند و به‌صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش جایگزین شدند. مطابق جدول ۱ پروتکل ۱۰ جلسه‌ای آموزش والدین که توسط محقق و با راهنمایی استاد راهنما و استفاده از کتاب والدینم به من چه خواهند داد (امانی و سهیلی، ۲۰۱۵) و کتاب راهنمای فرزندپروری موفق (دینک‌مایر، دان و مکی، گری، ۲۰۱۹) ساخته شد بر گروه آزمایش در فاصله ماه‌های مرداد تا مهر اجرا شد و گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکردند و در پایان جلسات آموزشی در پس‌آزمون به هردو گروه آزمایش و گروه کنترل پرسشنامه‌های جو خانواده و ارتباط والد- فرزند با دانش‌آموزان ارائه شد و بعد از دو ماه برای پیگیری هردو گروه آزمایش و گروه کنترل پرسشنامه‌های جو خانواده و ارتباط والد- فرزند به دانش‌آموزان ارائه شد.

جدول ۱: جلسات آموزش والدین مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس

جلسات	محتوای جلسات
جلسه اول	در ابتدای جلسه ضمن قدردانی از حضور والدین شرکت‌کننده در جلسه اعضا با یکدیگر و با پژوهش‌گر آشنا شدند توضیحاتی در مورد هدف از اجرای برنامه‌ها و انجام تکالیف و اهمیت آن برای آنان ارائه خواهد گردید و سپس قوانین گروه و کار با یکدیگر مثل رازداری و محرمانه بودن اطلاعات همدلی و وفاداری حضور به‌موقع و بدون غیبت اعضا پاسخ‌گویی با دقت به سؤالات و مشارکت فعال در فعالیت‌ها برای آنان توضیح داده خواهد شد توضیحاتی در مورد زمان فراوانی تعداد جلسات ارائه می‌شود و بر سر زمان برگزاری جلسات با آنان توافق صورت می‌گیرد.

جلسه دوم	در ابتدا تو ضیحی در مورد سبک‌های فرزند پروری و تعریفی ساده از آن ارائه گردید و در مورد چهار سبک فرزند پروری یعنی سبک مقتدرانه و ا ستبدادی و سهل گیر و کناره‌گیر در این جلسه تو ضیحاتی ارائه داد شد و مزایا و معایب هرکدام برشمرده شد.
جلسه سوم	توضیح در مورد انواع جو خانواده و پانزده نوع از جو خانواده در این جلسه ارائه شد.
جلسه چهارم	ابتدا والدین ن سبت به مطالبی که تابه‌حال در جل سات فراگرفته‌اند یک بازنگری تو سط پژوه شگر برای شان انجام خواهد گردید و در ادامه والدین با چهار هدف رفتار نادر ست (توجه‌طلبی، انتقام‌جو، قدرت‌طلبی و نمایش بی‌کفایتی) آ شنا می‌گردند.
جلسه پنجم	با توجه به موضوعات و آموزش‌های جلسه قبل که در خصوص بررسی روش اهداف بدرفتاری کودکان آورده شده بود به والدین چهار راه تغییر باورهای منفی در فرزندان و راه‌هایی که والدین می‌توانند اعمال نمایند در رابطه با فرزندان آموزش داده خواهد شد.
جلسه ششم	در این جلسه مؤلفه‌های ارتباط مؤثر بین والدین و فرزندان مطرح خواهد شد بعضی از مؤلفه‌ها مانند صحبت کردن دقیق و محترمانه اعضا با یکدیگر خوب گوش دادن گوش دادن انعکاسی و تماس چشمی.
جلسه هفتم	برای توضیح مفهوم دلگرمی ابتدا از اعضای گروه خواسته شد تا نظر خود را در مورد این مفهوم بیان کنند و سپس مشاور توضیح راه های دلگرمی دادن و بیان انواع روش برای تشویق کردن فرزندان را تعریف نمود.
جلسه هشتم	در این جلسه به روش‌هایی اشاره می‌کنیم که به کمک آن می‌توانیم احساسات خود درباره رفتار فرزندانمان را بیان کنیم.
جلسه نهم	توضیح در مورد تنبیه و تشویق و تحسین و مزایا و معایب هرکدام بر تربیت فرزند
جلسه دهم	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و گزارش والدین در خصوص تغییرات ارتباطی و آشنایی با دیدگاه‌های مطرح‌شده مادران.

ابزار سنجش

در این پژوهش به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد و در توصیف داده‌ها، شاخص‌های آمار (میانگین و انحراف استاندارد) در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری و در بخش استنباطی برای تحلیل ارتباط بین متغیرها از روش (تحلیل واریانس با اندازه مکرر) استفاده شد.

پرسشنامه جو خانواده[1]: این پرسشنامه توسط محمود نو درگاه فرد و به‌منظور اندازه‌گیری جو عاطفی خانواده در سال ۱۳۷۳ طراحی‌شده است که شامل ۳۵ سؤال در طیفی از لیکرت (هرگز ۱ تا خیلی زیاد ۵) است. مجموع نمرات آزمودنی در تمامی سؤالات نمره کل او را در این آزمون تشکیل می‌دهد. حداقل نمره ۳۵ و حداکثر آن ۱۷۵ خواهد بود. هر چه نمره آزمودنی بالاتر باشد نشان‌دهنده جو عاطفی نامناسب‌تر و متشنج-تر است؛ و بالعکس هر چه نمره فرد در این آزمون کمتر باشد نشان‌دهنده جو عاطفی مناسب خانواده است. نو درگاه فرد پرسشنامه را در نمونه آماری ۵۰۰ نفری اجرا

[1] Family Emotional climate Questionnaire

نمود. یافته‌های این اعتبار یابی با روش دونیمه کردن معادل ۰/۹۴ گزارش‌شده است این یافته نشان می‌دهد که این آزمون از اعتبار کافی برخوردار است. روایی محتوایی این پرسشنامه از طریق وارسی سؤالات آن موردسنجش قرار گرفت و اعتبار درونی بالای سؤالات نشان از روایی سازه بالای این آزمون دارد (زندی‌پیام، داوودی و مهرابی‌زاده، ۲۰۱۹).

پرسشنامه روابط والدین- فرزندی[1](PCRS): جهت سنجش رابطه والد- فرزند از پرسشنامه روابط والدین-فرزندی ساخته (فاین، مورلند و شوبل[2]، ۱۹۸۳) استفاده می‌شود و از ۲۴ گویه تشکیل‌شده است که در طیفی از لیکرت به‌صورت (۱ به‌هیچ‌وجه تا ۷ به‌شدت) است. این پرسشنامه که به‌منظور سنجش کیفیت ارتباط والدین و فرزندان به کار می‌رود دارای چهار مقیاس عاطفه مثبت، آزردگی سردرگمی نقش، تعین هویت و ارتباط والد-فرزندی است. این مقیاس به دو صورت رابطه فرزند با پدر و رابطه فرزند با مادر ساخته‌شده است. هر دو فرم یکسان است و فقط جای کلمه والدین عوض می‌شود. در پژوهش حاضر از فرم مادر استفاده شد. مقیاس رابطه والد- فرزندی با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ (همانندسازی) تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر نیز آلفای کلی ۰/۹۶ همسانی درونی بسیار خوبی دارد (ثنایی، ۲۰۰۸). در پژوهش (عطایی‌فر و امیری، ۲۰۱۶) قابلیت اعتماد پرسشنامه برای خرده مقیاس‌های عاطفه مثبت، گم‌گشتگی نقش، تعین هویت و رابطه والد-فرزندی به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۷۵، ۰/۷۸ و ۰/۸۸ به‌دست‌آمده است.

پرسشنامه مقیاس اضطراب کودکان اسپنس[3]: مقیاس اضطراب اسپنس فرم کودکان، (SCAS) در سال ۱۹۹۷ توسط اسپنس به‌منظور اندازه‌گیری و ارزیابی اضطراب کودکان بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی DSM-5 ساخته‌شده است (اسپنس، نائوتا، شولینگ، رپی، ابوت و همکاران[4]، ۲۰۰۴). سؤالات در مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای (۰ = هرگز، ۱ = گاهی، ۲ = اغلب، ۳ = همیشه) امتیازدهی می‌شوند. این پرسشنامه در دو نسخه کودک و والدین موجود است؛ که در پژوهش حاضر از فرم والدین استفاده شده است. این مقیاس شامل ۴۵ عبارت است که ۳۸ ماده آن نمره‌گذاری می‌شود ۶ عبارت که عبارت‌های مثبت هستند، محاسبه نمی‌شوند. همچنین یک سؤال باز پاسخ است که کودک به‌طور تشریحی به آن پاسخ می‌دهد و برای سنین ۸ تا ۱۵ سال طراحی‌شده است. مطالعه‌ای توسط مرادی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی روایی و پایایی نسخه فارسی مقیاس اضطراب کودکان اسپنس در دانش‌آموزان ایرانی» انجام شد. در این پژوهش، روایی سازه نسخه فارسی SCAS از طریق تحلیل عاملی تأییدی (CFA) بررسی شد. نتایج نشان داد که ساختار شش عاملی مقیاس (اضطراب جدایی، اضطراب اجتماعی، وسواس فکری-عملی، هراس، اضطراب جسمانی و اضطراب فراگیر) در نمونه ایرانی

[1] Parent-child relationship survey
[2] Fine, Moreland & Schwbel
[3] Spence Children's Anxiety scale
[4] Spence, Nauta, Scholing, Rapee, Abbott & Waters

تأیید می‌شود. همچنین، همبستگی مثبت و معنادار با پرسشنامه اضطراب بک برای کودکان (BAI-Y) ($r = 0.68, p < 0.01$) نشان‌دهنده روایی همگرای خوب بود؛ و ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰,۹۱ گزارش شد که نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار است. برای زیرمقیاس‌ها، ضرایب بین ۰,۷۳ (اضطراب جسمانی) تا ۰,۸۷ (اضطراب اجتماعی) متغیر بود. همچنین، پایایی بازآزمون (test-retest) طی دو هفته ۰,۸۵ بود. مطالعه‌ای توسط اورگیلس و همکاران (۲۰۲۰) در اسپانیا انجام شد. روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی تأیید شد و مدل شش عاملی اسپنس با داده‌های نمونه اسپانیایی (شاخص برازش: $CFI = 0.92, RMSEA = 0.05$) هم‌راستا بود. روایی همگرا با همبستگی بالا با مقیاس اضطراب و افسردگی کودکان (RCADS) ($r = 0.79, p < 0.001$) نشان داده شد؛ و ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰,۹۳ بود که نشان‌دهنده پایایی عالی است. ضرایب زیرمقیاس‌ها بین ۰,۷۰ (برای هراس) تا ۰,۸۹ (برای اضطراب اجتماعی) متغیر بود. پایایی بازآزمون طی چهار هفته ۰,۸۷ گزارش شد.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی نشان داد که میانگین سنی و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان در گروه آزمایش به ترتیب ۳۸/۵۲ و ۷/۲۱ و در گروه کنترل به ترتیب ۴۱/۲۳ و ۸/۱۱ است. ازلحاظ جنسیت تمامی شرکت‌کنندگان ۳۰ (۱۰۰ درصد) خانم بودند. از تحصیلات نیز فراوانی (درصد فراوانی) تحصیلات زیر دیپلم، دیپلم و کارشناسی برای گروه آزمایش به ترتیب ۸ (۵۳ درصد)، ۵ (۳۴ درصد) و ۲ (۱۳ درصد) و برای گروه کنترل ۷ (۴۷ درصد)، ۵ (۳۴ درصد) و ۳ (۱۹ درصد) است. در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی متغیر پژوهش در گروه‌های پژوهش ارائه‌شده است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی متغیرهای جو خانواده و رابطه والد – فرزندی به تفکیک مراحل آزمون

متغیر	مرحله آزمون	آزمایش		کنترل	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
جو خانواده	پیش‌آزمون	۱۰۶/۲۶۶	۱۴/۰۵۸	۹۸/۰۰۰	۵/۴۵۰
	پس‌آزمون	۶۸/۰۰۰	۲/۵۹۱	۱۰۵/۸۶۶	۹/۵۱۵
	پیگیری	۷۵/۱۳۳	۸/۹۷۵	۱۱۲/۰۶۶	۸/۰/۶۸
رابطه والد – فرزندی	پیش‌آزمون	۱۰۴/۶۰۰	۱۲/۸۰۵	۱۰۵/۶۶۶	۷/۹۳۴
	پس‌آزمون	۱۲۲/۲۶۶	۴/۶۰۵	۱۰۳/۶۰۰	۱۰/۹۴۶
	پیگیری	۱۲۵/۲۰۰	۷/۶۳۶	۹۹/۰۰۰	۶/۵۹۰

در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای جو خانواده و رابطه والد – فرزندی به ترتیب در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری برای هر دو گروه آزمایش و کنترل گزارش شده است.

نتایج پیش‌آزمون در هر یک از سطح‌های متغیر عامل (آموزش مهارت والدگری و آموزش مهارت فرزندپروری) نشان داد در میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای وابسته (جو خانواده و ارتباط والد- فرزندی) تفاوتی مشاهده نمی‌شود؛ اما در پس‌آزمون و پیگیری تفاوت در شاخص‌های آماری میانگین و انحراف معیار قابل مشاهده است.

در جدول ۳ تأثیرگذاری سطوح متغیر عامل (آموزش مهارت والدگری و آموزش مهارت فرزندپروری) روی متغیرهای وابسته (جو خانواده و ارتباط والد- فرزندی) مشخص‌شده است.

جدول ۳: تأثیرگذاری سطوح متغیر عامل روی متغیر جو خانواده و رابطه والد - فرزندی

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	مقدار P
جو خانواده	۳۴۸۳/۰۲۲	۲	۱۷۴۱/۵۱۱	۱۹/۵۵۳	۰/۰۰۱
رابطه والد - فرزندی	۷۲۸/۰۱۷	۱	۷۲۸/۰۱۷	۸/۸۶۹	۰/۰۰۶

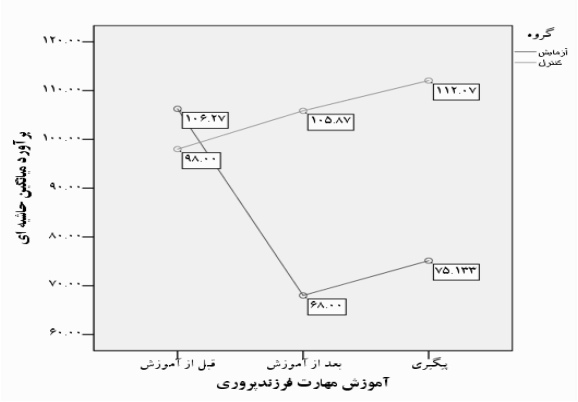
در هر دو متغیر جو خانواده و رابطه والد-فرزندی مطابق با ستون مربوط به سطح معنی‌داری (مقدار p) برای همه شاخص‌های آماری آزمون فرض صفر رد شده و تأثیرگذاری سطوح متغیر عامل روی متغیرهای وابسته جو خانواده (۰/۰۰۱) و رابطه والد-فرزندی (۰/۰۰۶) به‌خوبی مشخص می‌شود.

در جدول (۴)، مقایسه‌های دوتایی با اصلاح بونفرونی برای متغیرهای جو خانواده و رابطه والد - فرزندی به ترتیب در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در هر یک از سطح‌های متغیر عامل (آموزش مهارت والدگری و آموزش مهارت فرزندپروری) ارائه‌شده است.

جدول ۴: مقایسه‌های دوتایی نمرات جو خانواده و ارتباط والد- فرزندی با اصلاح بونفرونی

متغیر	آموزش (I)	آموزش (J)	تفاضل میانگین‌ها (I-J)	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
جو خانواده	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۱۵/۲۰۰*	۲/۳۵۴	۰/۰۰۱
	پیگیری	پیش‌آزمون	-۸/۵۳۳*	۲/۹۹۵	۰/۰۲۴
		پس‌آزمون	۶/۶۶۷*	۱/۸۱۷	۰/۰۰۳
رابطه والد - فرزندی	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۷/۸۰۰*	۲/۲۹۸	۰/۰۰۶
	پیگیری	پیش‌آزمون	۶/۹۶۷*	۲/۲۳۹	۰/۰۱۸
		پس‌آزمون	-۰/۸۳۳	۱/۸۸۷	۰/۰۰۱

بر ا ساس نتایج به د ست آمده پژوهش در جدول ۴ همان‌طور که در ستون سطح معنی‌داری م شاهده می شود، در متغیر جو خانواده در نمره مرح له پیش‌آزمون با هر یک از م قاطع دیگر پس‌آزمون (۰/۰۰۱) و پیگیری (۰/۰۲۴) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین در متغیر ارتباط والد-فرزندی در نمره مرحله پیش‌آزمون با هر یک از مقاطع دیگر پس‌آزمون (۰/۰۰۶) و پیگیری (۰/۰۱۸) تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ که ن شان دهنده اثربخ شی خوب و م ستمر مداخلات ا ست. در ادا مه و نمودار (۱ و ۲) رو ند تغییرات میانگین متغیرهای وابسته (جو خانواده و رابطه والد-فرزندی) ارائه‌شده است.



نمودار ۱: روند تغییرات متغیر جو خانواده

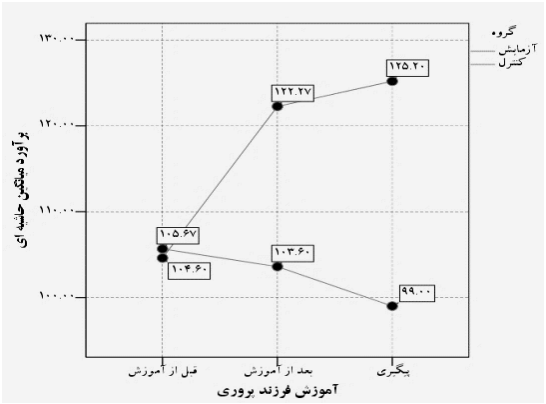
در نمودار ۱، روند تغییرات میانگین متغیر جو خانواده ارائه‌شده است. مطابق این نمودار قبل از آموزش نمره جو خانواده در سطح بالایی قرار دارد و در مرحله بعد از آموزش نمره متغیر جو خانواده در گروه آزمایش کمتر و در گروه کنترل در زمان مشابه بیشتر می‌شود. علاوه بر این با پیگیری به‌عمل‌آمده مشخص گردید که متغیر جو خانواده در گروه آزمایش روند صعودی محدود و در گروه کنترل نیز کماکان روند صعودی داشت.

نمودار ۲: روند تغییرات متغیر ارتباط والد-فرزندی

در نمودار ۲، روند تغییرات میانگین متغیر ارتباط والد-فرزندی ارائه‌شده است. مطابق نمودار قبل از آموزش نمره ارتباط والد- فرزند والدین در سطح پایینی قرار دارد و در مرحله بعد از آموزش نمره متغیر رابطه والد-فرزندی در گروه آزمایش بیشتر و در گروه کنترل در زمان مشابه کمتر می‌شود. علاوه بر این با پیگیری به‌عمل‌آمده مشخص گردید که کماکان ارتباط والد-فرزندی در گروه آزمایش روند صعودی و در گروه کنترل روند نزولی پیدا می‌کند.

بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی آموزش مهارت والدگری مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس بر جو خانواده و ارتباط والد- فرزندی والدین دارای فرزند مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی در استان حلبچه کردستان عراق بود. نتایج پژوهش نشان داد که نمرات پیش‌آزمون با هر یک از مراحل پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معناداری دارد بر این اساس آموزش



مهارت والدگری مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس با متغیرهای عامل (آموزش مهارت والدگری و آموزش مهارت فرزندپروری) بر جو خانواده و ارتباط والد-فرزندی در والدین دارای فرزند مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد.

در بررسی متغیر جو خانواده نتایج به‌دست‌آمده این پژوهش نشان داد که میانگین نمرات پس‌آزمون و پیگیری با پیش‌آزمون تفاوت دارد؛ که نشان دهنده اثرگذاری بالا و باثبات آموزش مهارت والدگری مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس بر جو خانواده در شرکت‌کنندگان است؛ و همان‌گونه که در نمودار (۱) مشاهده می‌گردد میانگین نمونه‌های مورد آزمایش و کنترل در مرحله پیش‌آزمون اختلاف معنی‌داری مشاهده نمی‌شود؛ اما با تأثیر آموزش، روند نزولی تأثیرگذاری جو خانواده با مداخله مهارت والدگری در اضطراب اجتماعی قابل‌مشاهده است به‌شیوه‌ای که این روند نزولی در گروه آزمایش تا انتهای مرحله پیگیری نیز قابل‌مشاهده است.

نتایج این پژوهش با مطالعه مورگان، راپی، سلیم، گوهاپی، تمیر و همکاران[1] (۲۰۱۷)، فن دورن، جنسن، بودن، لیشوارک-اشوف و گرانیک[2] (۲۰۱۷)، عباس قربانی و نقدی (۲۰۲۰)، رفاهی و طاهری (۲۰۱۹)، طاهری، ارجمندنیا و جمالی قرخانلو (۲۰۱۹)، علیپور، علی‌اکبری دهکردی، برقی ایرانی (۲۰۱۹)، بنانی، برجعلی، امینی و خدابنده (۲۰۱۸) همسو است. با توجه به این‌که جو خانوادگی روشی برای کنار آمدن با زندگی است که خانواده مانند یک الگو است که این روش را به کودک آموزش می‌دهد. می‌توان قلمرو و دامنه جو خانواده را از گرمی و سردی، منظم تا سازمان-یافته، همیاری و همفکری تا رقابت و محبت‌آمیز تا نفرت‌آمیز و محدودکننده تا آرامش‌بخش و دلسردکننده تا دلگرم‌کننده به شمار آورد. به‌طورکلی پایه‌گذاری این جو توسط ارزش‌های خانوادگی انجام می‌گیرد و این ارزش به هر چیز مصمم و قاطع برای والدین اطلاق می‌گردد. به‌وسیله خانواده، کودکان ارزش‌ها، آیین‌ها و رسم و رسومات را می‌آموزند و تلاش می‌نمایند تا خود را با استانداردهای والدین مطابقت دهند و همچنین کودکان شیوه برقرار نمودن ارتباطات را از راه مشاهده نمودن واکنش‌ها و تعاملات خانوادگی و نقش‌های جنسی را با مشاهده قالب‌های پذیرفته‌شده به‌وسیله والدین بیاموزند.

در بررسی متغیر ارتباط والد-فرزندی نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که میانگین نمرات پس‌آزمون و پیگیری با پیش‌آزمون تفاوت دارد؛ که مؤید اثربخشی بالا و باثبات آموزش مهارت والدگری مبتنی بر رویکرد آدلر - درایکورس بر ارتباط والد-فرزندی در شرکت‌کنندگان است. همان‌طور که در نمودار (۲) مشاهده می‌گردد پس از مداخله متغیر والدگری، میانگین نمرات ارتباط والد- فرزندی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل افزایش یافته است

[1] Morgan, Rapee, Salim, Goharpey, Tamir, McLellan & Bayer
[2] Van Doorn, Jansen, Bodden, Lichtwarck-Aschoff & Granic

که این امر حاکی از نقش بسیار مؤثر و تأثیرگذار متغیر ارتباط والد- فرزندی با مداخله مهارت والدگری بوده و روند صعودی آن نیز در مرحله پیگیری نیز قابل مشاهده است. بر طبق نتایج به دست آمده این روند افزایشی ازلحاظ آماری معنی‌دار است و نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش با پژوهش‌های چن و چن[1] (۲۰۱۶)، لوهان، میشل، فیلوس، صفرونف و موراوسکا[2] (۲۰۱۶)، شپریس، شپریس، مانسو، دیویس و لوپز[3] (۲۰۱۵) و اعتصامی‌پور، باقری، زارع بهرام‌آبادی و غریبی (۲۰۲۰) همسو می‌باشد. در تأیید این نتایج می‌توان اذعان داشت که این آموزش می‌تواند بر ساختار شناختی، بازنمایی دوباره مفاهیم و تعاریف و تجربه‌های والدین درباره ارتباط با خانواده و کودکان تأثیرگذار است. این نوع از آموزش‌ها می‌توانند نحوه تلقی نسبت به والدگری و نوع نگرش و دید آن‌ها را به ماهیت و اساس ارتباطات والد- کودک را با حقیقت و واقعیت زندگی منطبق نماید.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این تحقیق، مؤید نقش بسیار بااهمیت و مؤثر و همچنین غیرقابل‌انکار جو عاطفی خانواده و ارتباط والد-فرزندی، بر سلامت احساسی و روانی و کم نمودن اضطراب کودک است. والدین هم می‌توانند با استفاده از روش‌های والدگری درست و مناسب و مهیا نمودن محیطی سرشار از محبت و عاطفه و همچنین سلامت روانی- جسمی حال و آینده کودکان خود را تضمین نموده و از به وجود آمدن بسیاری از اختلال‌های روحی و روانی ازجمله اختلال‌های اضطرابی در فرزند خود پیشگیری و ممانعت نمایند. در نهایت می‌توان گفت که خانواده نقش بسیار بااهمیتی در رشد و نمو و سلامت روانی و جسمانی کودک ایفا می‌نماید، در این میان روش‌های والدگری و جو عاطفی، خانواده بااهمیت‌ترین و تأثیرگذارترین رکن در تربیت و رشد روانی کودک را دارا است.

از جمله محدودیت‌های پیش رو در این پژوهش می‌توان به جمعیت مورد بررسی که دانش‌آموزان دوره ابتدایی بودند اشاره کرد، ازاین‌رو تعمیم آن‌ها به سایر دوره‌ها و جمعیت‌های دیگر با محدودیت روبرو است؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود بررسی‌های مشابه بر روی سایر دوره‌های تحصیلی از قبیل دوره متوسطه انجام گیرد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از روش خود گزارشی برای گردآوری اطلاعات و محدود بودن نمونه پژوهش به چند مدرسه و محدود بودن جامعه پژوهش به استان حلبچه واقع در اقلیم کردستان اشاره کرد. به همین دلیل تعمیم نتایج به جوامع دیگر باید بااحتیاط انجام شود. با توجه به این‌که قبلا این نوع تحقیق‌ها در منطقه محل سکونت محقق به‌هیچ‌عنوان انجام نگرفته بود جمع‌آوری داده‌ها و دسترسی به منابع با محدودیت‌های متنوعی روبه‌رو بود.

با توجه به نقش تأثیرگذار و مهم جو خانواده و ارتباط والدین با فرزندان، پیشنهاد می‌شود تحقیقات مشابهی در زمینه‌های پرخاشگری نوجوانان و جوانان در مدارس

[1] Chen & Chen
[2] Lohan, Mitchell, Filus, Sofronoff & Morawska
[3] Sheperis, Sheperis, Monceaux, Davis & Lopez

و اعتیاد و ارتباط آن‌ها با جو خانواده و مهارت والدگری موردبررسی و مطالعه قرار گیرد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود برگزاری جلسات و کارگاه‌های آموزشی از طرف وزارت آموزش‌وپرورش در مورد آموزش فرزند پروری و افزایش آگاهی و مهارت‌های لازم جهت کاهش اضطراب و سایر مشکلات اجتماعی دانش‌آموزان فرزندان ارائه گردد و همچنین کلاس‌های آموزشی برای معلمان و مربیان در جهت شناسایی به‌موقع مشکلات رفتاری دانش‌آموزان و در صورت لزوم مشاوره با والدین برگزار شود. پیشنهاد می‌گردد که برنامه‌های آموزشی خاصی در این رابطه از طرف رسانه‌های جمعی ملی و محلی برای والدین جهت برقراری ارتباط صحیح‌تر با فرزندان و افزایش مهارت فرزند پروری اختصاص یابد که این امر می‌توانند در راستای تحقق این اهداف مؤثر باشد.

سپاسگزاری

مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد انجام شده در گروه مشاوره دانشگاه کردستان است. پژوهش حاضر تحت نظارت معاونت پژوهشی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی و مدیریت تحصیلات تکمیلی به شماره نامه ۰۳/۱۷/۷۶۹۷/ص انجام گرفته است. نویسندگان حاضر در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی نداشته و پژوهش منابع مالی ندارد. در پایان از تمامی کسانی که به نحوی در انجام این پژوهش یاریگر ما بودند از جمله مشارکت‌کنندگان، مدیریت و کارکنان اداره آموزش‌وپرورش استان حلبچه و ... تشکر نموده و موفقیت همه آن‌ها را از خداوند متعال خواهانم.

References

Ahadi, H., & Bani Jamali, S. A. (2016). *Developmental psychology: Basic concepts in child psychology*. Tehran, Iran: Bakhshayesh Publications. [In Persian]

Ahmadvand, M. A. (2019). *Mental health*. Tehran, Iran: Payam-e-Noor Publications. [In Persian]

Amani, A., & Soheili, F. (2015). *What will my parents give me: A guide to democratic parenting*. Tehran, Iran: Shellac Publications. [In Persian]

Asakura, S. (2015). Diagnosis and treatment of social anxiety disorder. *Seishin Shinkeigaku Zasshi, 117*(6), 413-430.

Ataeefar, R., & Amiri, S. (2016). An exploration of the association between effective spousal communication and parent-child relationship. *Quarterly Journal of Family and Research, 13*(1), 7-38. [In Persian]

Banani, M., Borjali, M., Amini, N., Khodabandeh, F., & Khodabandeh, F. (2018). Comparison of the emotional atmosphere of family between children with anxiety disorders and normal children. *Preschool and Elementary School Studies, 3*(9), 99-124. [In Persian]

Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (2022). Parent-child relationships and anxiety in childhood: A meta-analysis. *Journal of Anxiety Disorders, 85*, 102501. https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2021.102501

Halldorsson, B., & Creswell, C. (2017). Social anxiety in pre-adolescent children: What do we know about maintenance? *Behaviour Research and Therapy, 99*, 19-36. https://doi.org/10.1016/j.brat.2017.08.013

Hudson, J. L. (2014). Parent-child relationships in early childhood and development of anxiety and depression. In *Encyclopedia on Early Childhood Development*. Retrieved from http://www.child-encyclopedia.com/

I'tesami-Pur, R., Baqeri, F., & Zare' Bahram Abadi, M. (2020). Investigating the parent-child relationship pattern based on Iranian-Islamic native model with communication skills and students' self-esteem intermediation. *Journal of Islamic Education, 15*(31), 109-125. https://doi.org/10.30471/edu.2018.4445.1855 [In Persian]

Lezler, R. J., Hudson, J. L., & Rapee, R. M. (2021). Parent-focused interventions for reducing child anxiety: A systematic review. *Clinical Child and Family Psychology Review, 24*(3), 453-475. https://doi.org/10.1007/s10567-021-00354-2

Lohan, A., Mitchell, A. E., Filus, A., Sofronoff, K., & Morawska, A. (2016). Positive parenting for healthy living (Triple P) for parents of children with type 1 diabetes: Protocol of a randomised controlled trial. *BMC Pediatrics, 16*, 1-13. https://doi.org/10.1186/s12887-016-0697-5

Chen, M., & Chan, K. L. (2016). Effects of parenting programs on child maltreatment prevention: A meta-analysis. *Trauma, Violence, & Abuse, 17*(1), 88-104. https://doi.org/10.1177/1524838014566718

Dinkmeyer, D., & McKay, G. (2019). *Successful parenting guide* (M. Raeis-Dana, Trans.). Tehran, Iran: Roshd Publications. (Original work published 2019)

Dreikurs, R. R., & Soltz, V. (2015). *Children: The challenge*. New York, NY: Plume.

Dryman, M. T., Gardner, S., Weeks, J. W., & Heimberg, R. G. (2016). Social anxiety disorder and quality of life: How fears of negative and positive evaluation relate to specific domains of life satisfaction. *Journal of Anxiety Disorders, 38*, 1-8. https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2015.12.003

Ferguson, E. D., Hagaman, J., Grice, J. W., & Peng, K. (2006). From leadership to parenthood: The applicability of leadership styles to parenting styles. *Group Dynamics: Theory, Research, and Practice, 10*(1), 43-55. https://doi.org/10.1037/1089-2699.10.1.43

Fine, M. J., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. (1983). Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Developmental Psychology, 19*(5), 703-713. https://doi.org/10.1037/0012-1649.19.5.703

Ganji, M. (2020). *Psychopathology based on DSM-5 (Vol. 1)*. Tehran, Iran: Savalan Publications.

Family Psychology, 1*(2), 69-78. [In Persian]

Refahi, Z., & Taheri, M. (2019). Predicting mothers' parenting styles based on their early schemas and attachment styles. *Quarterly Journal of Woman and Society, 10*(37), 167-196. [In Persian]

Sanai, B. (2008). *Family and marriage scales*. Tehran, Iran: Besat Publications. [In Persian]

Sanders, M. R., Pidgeon, A. M., Gravestock, F., Connors, M. D., Brown, S., & Young, R. W. (2004). Does parental attributional retraining and anger management enhance the effects of the Triple P-Positive Parenting Program with parents at risk of child maltreatment? *Behavior Therapy, 35*(3), 513-535. https://doi.org/10.1016/S0005-7894(04)80030-8

Sheperis, C., Sheperis, D., Monceaux, A., Davis, R. J., & Lopez, B. (2015). Parent-child interaction therapy for children with special needs. *The Professional Counselor, 5*(2), 248-260. https://doi.org/10.15241/cs.5.2.248

Spence, S. H. (1997). Structure of anxiety symptoms among children: A confirmatory factor-analytic study. *Journal of Abnormal Psychology, 106*(2), 280-297. https://doi.org/10.1037/0021-843X.106.2.280

Taheri, F., Arjmandnia, A. A., & Jamali Gharakhanlou, Y. (2019). Effect of positive parenting program on family function in parents having children with intellectual disability. *The Scientific

Moradi, M., Hosseini, S., & Akbari, N. (2020). Investigating the validity and reliability of the Persian version of the Spence Children's Anxiety Scale among Iranian students. *Journal of Clinical Psychology, 12*(3), 45-56. [In Persian]

Morgan, A. J., Rapee, R. M., Salim, A., Goharpey, N., Tamir, E., McLellan, L. F., & Bayer, J. K. (2017). Internet-delivered parenting program for prevention and early intervention of anxiety problems in young children: Randomized controlled trial. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry, 56*(5), 417-425. https://doi.org/10.1016/j.jaac.2017.02.010

Mousavi Amirabad, Z., & Nazarimoghadam, P. (2019). Effectiveness of positive parenting skills training on social competence and emotion regulation in students. *Journal of Rooyesh-e-Ravanshenasi, 8*(10), 39-46. [In Persian]

Orgilés, M., Espada, J. P., & Morales, A. (2020). Psychometric properties of the Spence Children's Anxiety Scale (SCAS) in a Spanish sample during COVID-19. *International Journal of Environmental Research and Public Health, 17*(24), 9472. https://doi.org/10.3390/ijerph17249472

Poursina, Z., Tahmasian, K., & Sadeghi, M. S. (2021). Mediating role of emotional security in relationship between family functioning and child's behavioral problems. *Journal of

Journal of Rehabilitation Medicine, 8*(3), 150-161. [In Persian]

Tolin, D. F. (2019). Inhibitory learning for anxiety-related disorders. *Cognitive and Behavioral Practice, 26*(1), 225-236. https://doi.org/10.1016/j.cbpra.2018.07.008

Van Doorn, M. E. M., Jansen, M., Bodden, D. H. M., Lichtwarck-Aschoff, A., & Granic, I. (2017). A randomized controlled effectiveness study comparing manualized cognitive behavioral therapy (CBT) with treatment-as-usual for clinically anxious children. *Journal of Clinical Trials, 7*(5), 2167-0870. https://doi.org/10.4172/2167-0870.1000325

World Health Organization. (2023). *Mental health atlas 2023*. https://www.who.int/publications/i/item/9789240071858

Woodhouse, S. S., Scott, J. R., & Allison, C. (2020). Parenting and child anxiety: The role of parental sensitivity and responsiveness. *Child Development Perspectives, 14*(3), 154-159. https://doi.org/10.1111/cdep.12374

Yaffe, Y. (2024). Parental overprotection and locus of control as the mechanisms explaining the relationship between parent and child anxiety: A multiple mediation model. *Child Psychiatry & Human Development*. https://doi.org/10.1007/s10578-024-01757-4

Yap, M. B. H., & Jorm, A. F. (2019). Parental factors associated with childhood anxiety, depression, and internalizing problems: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders, 253*, 345-360. https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.04.108

Zandipayam, A., Davoudi, I., & Mehrabizade Honarmand, M. (2019). The relationship between familial emotional atmosphere and mental health with online game addiction. *Journal of Arak University Medical Sciences, 22*(1), 115-125. [In Persian]